

شناسایی عوامل تاثیرگذار بر ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور^۱

مریم بهروزی

دانشجو دکتری شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حمید ماجدی^۲

استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهرا سادات سعیده زرابادی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

چکیده

امروزه توسعه شهرها و همچنین تحولات زندگی شهری از مقولات مهم در سراسر جهان بوده و تامین آسایش و رفاه شهروندان به همراه فراهم نمودن احساسات مثبت و نشاط آور برای آنها از موضوعات ضروری و مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور شهری است. اهمیت این امر تا بدانجاست که افزایش کیفیت زندگی شهری و ارتقای مولفه‌های مربوط به مکان مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است و یکی از ابعاد مهم در بهبود کیفیت زندگی شهرنشینان، دلبستگی به مکان است اما با وجود اهمیت آن، مدلی جامع برای آنکه بتواند موجب تقویت و ارتقای حس مکان گردد در امور شهرسازی مطرح نشده است. این پژوهش با توجه به رویکرد نوین برنامه‌ریزی شهری طراحی محور تلاش بر آن دارد که بتواند به این مهم پاسخ گفته و هدف آن شناسایی عوامل تاثیرگذار بر ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور می باشد. ابتدا با مطالعه ادبیات و پژوهش‌های پیشین در حوزه حس دلبستگی به مکان، عوامل اولیه و تاثیرگذار تلخیص و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در کدگذاری باز ۷۶ شاخص شناسایی شد که در کدگذاری محوری در ۹ معیار محیطی-زمینه‌ای، احساسی-عاطفی، اجتماعی-مشارکتی، کالبدی، فرهنگی-اعتقادی، شناختی-ادراکی، فردیت کاربر، طراحی و برنامه‌ریزی خلاصه شد و در نتیجه در کدگذاری انتخابی ۳ عامل تاثیرگذار هویت مکان، وابستگی به مکان و برنامه ریزی طراحی محور تعیین شد و در قالب مدلی مفهومی این عوامل موثر بر ارتقا حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور ارائه شد.

کلیدواژگان: حس مکان، دلبستگی به مکان، رویکرد برنامه ریزی طراحی محور، تحلیل محتوا.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری مریم بهروزی با عنوان "تبیین معیارهای ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور" است که با راهنمایی دکتر حمید ماجدی و مشاوره دکتر زهرا سادات سعیده زرابادی در دانشکده عمران، هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ارائه گردیده است.

^۲ نویسنده مسئول: majedi_h@yahoo.com

مقدمه

حس دلبستگی به مکان یکی از مهمترین مؤلفه های کیفیت در فضاهای شهری است که دارای عوامل معنایی، احساسی و عملکردی است و این حس پس از درک و قضاوت محیط صورت گرفته و در صورت رضایت باعث استفاده مطلوب از محیط و در نهایت سبب تداوم حضور فرد می شود. فقدان حس و معنا باعث نمایش تغییرات اساسی پارادایم در فرم شهر و دگرگونی شیوه ادراک انسانها از پیوستگی با مکان می شود. برآورده شدن این حس بخصوص در مورد فضاهای محلی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است چراکه انسانها در هر رفت و آمدی از محله خود و از فضاهای عمومی که در محله وجود دارند عبور می کنند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷) از این رو وجود حس مکان در محله که منجر به ایجاد حس تعلق به آن می گردد در هنگام طراحی از الزامات است. اما مسئله وقتی به وجود می آید که در طراحی محیط زندگی این مهم نادیده گرفته می شود یا به آن توجه کافی صورت نمی گیرد و در نهایت محیط هایی به وجود می آیند که ساکنان در آن حس تعلق پایینی به محله خود دارند. از طرفی ارتقاء کیفیت محیط شهری هدف اصلی تمام طرح های توسعه شهری است. در ارزیابی و تجارب ماحصل از اجرای طرح های توسعه شهری در جهان و به ویژه کشور ما این موضوع اثبات شده که طرح های مزبور در خلق محیط شهری واجد کیفیت، توفیق کمی داشته اند. لذا اندیشمندان مختلف شهرسازی از حضور تفکر کیفیت گرای خاص طراحی شهری در تمام مقیاسهایی (کلان و خرد) طرح های توسعه شهری برای ایجاد محیط واجد کیفیت حمایت کرده اند و رویکرد نوینی در تهیه طرح های توسعه شهری با نگرشی به شهر با دیدی یکپارچه به نام برنامه ریزی طراحی محور را مطرح کردند که فرآیندی عام برای اتصال حلقه برنامه ریزی به طراحی بوده و طراحی محصول گرا و سیاست گرا است و توجه به تمام ابعاد: کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی، ادراکی، بصری و غیره را دارد. همانطور که اشاره شد یکی از ابعاد مهم در بهبود کیفیت زندگی شهرنشینان، دلبستگی به مکان است اما با وجود اهمیت آن، هنوز هم مطالعات ادامه داشته و مدلی جامع برای آنکه بتواند موجب تقویت و ارتقای حس مکان گردد در امور شهرسازی مطرح نشده است. (خدایی و همکاران، ۱۳۹۳). لذا، این پژوهش با توجه به رویکرد نوین برنامه-ریزی شهری طراحی محور تلاش بر آن دارد که بتواند به این مهم پاسخ گفته و به تبیین معیارهای ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور بپردازد. این پژوهش به دنبال این پرسش است چگونه با برنامه ریزی طراحی محور بعنوان رویکردی در جهت ارتقاء کیفیت محیط شهری میتوان به تدوین مدلی جهت ارتقا حس دلبستگی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های کیفیت در فضاهای شهری پرداخت؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دلبستگی^۱ به یک موضوع مثل یک شیء، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره با آن روبه روست، بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد مبتنی است و بر پایه ادراک، ساماندهی و طبقه بندی شده و به خاطر سپرده می شود (خدایی و همکاران، ۱۳۹۳).

¹ Attachment

از نظر برخی از محققین به طور کلی دلبستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با مکان، معانی و ویژگی‌های مرتبط محیطی که فرد را راغب به ماندن در آن می‌کند است و بر این اساس عواملی که در دلبستگی به مکان تأثیر می‌گذارند به سه دسته عوامل احساسی، معنایی و عملکردی تقسیم می‌شوند (سجادزاده، ۱۳۹۲).

تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود. اعلی‌ترین مرحله رابطه انسان و فضا، حس تعهد و تعلق شخص نسبت به فضا است این حس از دو عامل مؤثر فضا و انسان به صورت توأمان ساخته شده و تغییرات هرکدام در میزان تعلق مؤثر است. (میرزاحمدی، تقی‌پور، ۱۳۹۷) حس دلبستگی به مکان از مواردی است که به عنوان پیش‌بینی‌کننده رفتار افراد در یک مکان تلقی شده و هرچقدر میزان دلبستگی و درگیری افراد با یک مکان بیشتر باشد، احتمال تمایل به سکونت در آن مکان (با ویژگی‌های خاص فیزیکی در آن مکان) را افزایش می‌دهد. همچنین، در محلات و مکان‌هایی که مردم در آن عضو باشگاه‌ها، اجتماعات فرهنگی، اقدامات داوطلبانه و یا انجمن‌های محلی هستند، حس دلبستگی به مکان بالا بوده و افراد احساس تعلق خاطر زیادی به آن مکان دارند و این امر حس مکان را در آنها تقویت می‌کند (آنتون و لارنس، ۲۰۱۴). از آنجا که عوامل و ابعاد زیادی در دلبستگی یک فرد به مکانی خاص نقش دارند، هر یک از روانشناسان و پژوهشگران مواردی را به عنوان معیار دلبستگی به مکان ارائه کرده‌اند که از جمله مهمترین این ابعاد می‌توان به عوامل اجتماعی، عوامل کالبدی، عوامل فردی، عوامل فعالیتی، زمان، تجارب و مشارکت در طراحی اشاره داشت که برای ارزیابی میزان حس دلبستگی فرد به مکان قابل بررسی و تحلیل هستند.

از طرف دیگر رویکرد طراحی محور در برنامه‌ریزی شهری، بر اصول و اهداف عملکردی استوار است، نه ضوابط و مقررات و استانداردهای صلب و غیر قابل انعطاف و نه بر پیچیدگی پهنه‌بندی‌ها، این اصول و اهداف عملکردی باید علاوه بر انعطاف‌پذیری، با محدوده مورد مطالعه ارتباط برقرار کنند. برنامه‌ریزی طراحی محور در مورد اهمیت تراکم، اختلاط کاربری‌ها، معماری و به طور عمده استقرار فضاهای عمومی در خلق واحد‌های همسایگی موفق بحث می‌کند. به طور کلی ویژگی‌های برنامه‌ریزی طراحی محور را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور، عناصر و تصمیمات برنامه ریز بر پایه تصور از کیفیت و احجام سه بعدی حاصله تدوین می‌کند و ویژگی‌های کیفی مکان را نیز در نظر می‌گیرد.
۲. رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور تأکید کمتری بر کاربری زمین و استانداردهای مهندسی دارد. در این رویکرد مطلوبیت کیفیت و فرم از اهمیت بیشتری برخوردار است.
۳. رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور اهداف و معیارهای طراحی را مشخص می‌کند؛ این اهداف و معیارها باید در تهیه و تصویب طرح‌ها مدنظر قرار گرفته و قابلیت مطرح شدن در مقیاس‌های کلان را نیز داشته باشند.

۴. رویکرد طراحی محور در برنامه‌ریزی شهری، شرایط و الویت‌ها را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی مبتنی بر توانایی قضاوت کارشناس است یعنی قبل از ساخت و ساز و توسعه، نتایج کیفی و فضایی محدود پیش-بینی می‌گردد. (رضانیا، ۱۳۹۲)

همچنین، از آنجا که در فرایند برنامه‌ریزی طراحی محور نیز قابل ملاحظه است با تبیین چشم انداز طرح و همچنین راهبردهای مکانی برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان می‌توان به ارائه پیشنهادیه مناسب دست یافت لذا، این امر فرصتی است که بتوان در آن شاخص‌های مربوط به ارتقای حس دلبستگی به مکان را تقویت نمود. با بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع، خلاصه‌ای از این پژوهشها در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

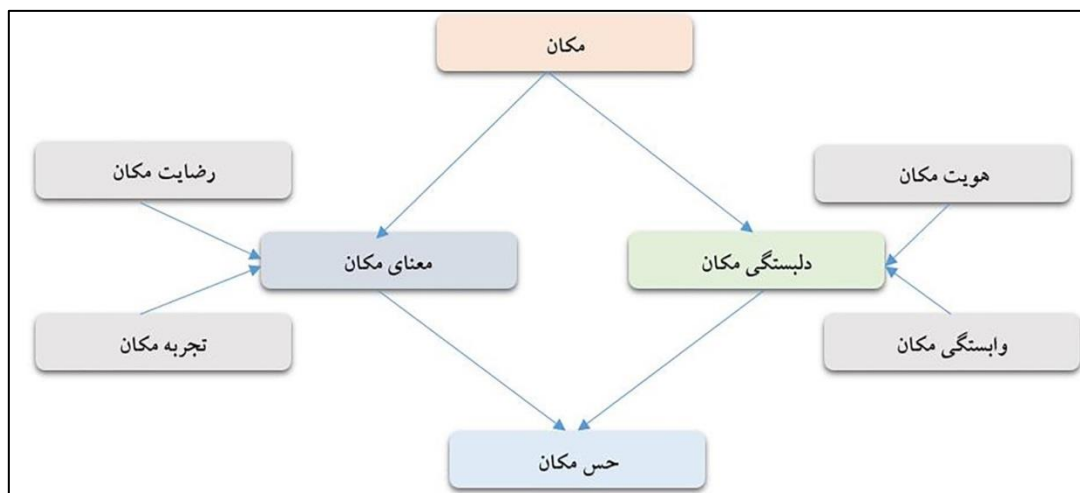
پژوهشگران	سال	نتایج
پیشینه پژوهش داخلی		
اعتصامی پور و همکاران	۱۳۹۸	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ضوابط شهری در قالب آیین‌نامه‌های منطقه‌بندی، مکانیزم اجرایی طرح‌های توسعه شهری هستند ▪ سیر تحول ضوابط منطقه‌بندی در از شکل‌گیری ضوابط عملکرد مینا، تکنیک‌های اصلاحی تا ظهور ضوابط فرم مینا و هیبریدی موجب توجه بسزایی به ابعاد کیفی محیط و رابطه انسان و مکان بوده است. ▪ ویژگیهای جامعیت دربرگیرندگی ضوابط عرصه‌های عمومی و خصوصی یکپارچگی ضوابط شهری و ساختمانی، زمینه‌گرایی در فرم و انعطاف‌پذیری عملکردی است.
لطفانی و انصاری	۱۳۹۸	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تبیین مولفه‌های عینی و ذهنی فضا و سطوح حس مکان ▪ تقسیم مولفه‌های موثر بر پیدایش حس مکان به دو دسته عینی (کالبدی و فعالیت) و ذهنی (فردی و جمعی)
میرزاجانی سنگری	۱۳۹۸	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ، ضرورت ایجاد حس دلبستگی به مکان ▪ ویژگی های کودکان از درک مفهوم دلبستگی در سنین مختلف ▪ جایگاه حس دلبستگی به مکان در شکل‌گیری هویت
حیدری و همکاران	۱۳۹۷	<ul style="list-style-type: none"> ▪ احساس دلبستگی افراد نسبت به شهر در بالاترین سطح و پس از آن در خانه و در نهایت در محله است ▪ مفهوم دلبستگی به مکان مربوط به ابعاد بوم‌شناختی و فرهنگی و همچنین تنوع احساسات فردی است ▪ شناسایی عوامل کالبدی، احساسات فردی و عوامل اجتماعی و جمعیتی به عنوان عوامل اصلی تاثیرگذار بر دلبستگی به مکان
رضوانی و همکاران	۱۳۹۶	<ul style="list-style-type: none"> ▪ هنجارهای افزایش مطلوبیت مکان با حس تعلق مکان: بعد کالبدی، ذهنی/معنا و کارکرد/فعالیت
محسن زاده هروزی و فرکیش	۱۳۹۶	<ul style="list-style-type: none"> ▪ عوامل کالبدی به عنوان عناصر اجتماعی محیط بر حس دوست داشتن مکان مدرسه در کودکان موثر است. ▪ فضاهای کالبدی به لحاظ طراحی و عملکردی با سن و احساسات کودک در ارتباط می‌باشد. ▪ مولفه‌های دلبستگی در این پژوهش نیاز، تعاملات، ارتباط با محیط، علاقه و آشنایی است ▪ مولفه‌های کالبدی در طرح فضا، امکانات رفاهی، دسترسی، کیفیت فضا، فضاهای جمعی و خصوصی و خرده محیط‌ها بیان شده است.
علیمردانی و همکاران	۱۳۹۶	<ul style="list-style-type: none"> ▪ حس دلبستگی به مکان از مفاهیم مهم حس مکان است

<ul style="list-style-type: none"> ▪ میان هدف از پیاده روی و حس دل بستگی به مکان رابطه معنی دار وجود دارد. ▪ دل بستگی به مکان عامل مهمی در طراحی یک محیط است و شناسایی شاخص های مرتبط با حس دل بستگی مکان در ارتباط با پیاده روی به طراحان در طراحی محله کمک می نماید. ▪ عوامل اصلی حس وابستگی به مکان عبارتند از : عوامل کالبدی محیطی، عوامل اجتماعی فرهنگی، عوامل فردی، عامل زمان و عامل زمینه ای. 		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ تاثیر برنامه ریزی طراحی محور و پدافند غیرعامل در کاهش آسیبهای ناشی از وقوع سوانح گوناگون و و رویکردی پیشگیرانه و نهایتا ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان محله 	۱۳۹۶	معصومی نسب و فیروزه
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ویژگی های فردی سن، جنسیت، وضعیت تاهل، شغل، وضعیت مسکن، مدت سکونت، شیوه جابجایی و میزان پیاده روی رابطه معناداری با فرایند سه بعدی دل بستگی به مکان (احساس، شناخت، رفتار) دارند. 	۱۳۹۵	پیربایی و همکاران
<ul style="list-style-type: none"> ▪ امنیت، همسایگی، عناصر، تسهیلات کالبدی و خدماتی، فضای باز، مقیاس متناسب، دسترسی ها، تعاملات اجتماعی، سلسله مراتب، در افزایش احساس دل بستگی به مکان تاثیر بسزایی دارند. 	۱۳۹۵	دانشپور
<ul style="list-style-type: none"> ▪ دل بستگی به مکان نقطه تلاقی عناصر کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم ذهنی نسبت به مکان است. 	۱۳۹۵	فلاح ساروکلاهی
<ul style="list-style-type: none"> ▪ مفهوم حس مکان در فضاهای شهری با چهار مؤلفه معرفی شده است: مؤلفه کالبدی، مؤلفه ادراکی، مؤلفه اجتماعی و مؤلفه عملکردی 	۱۳۹۵	میرغلامی و آیشم
<ul style="list-style-type: none"> ▪ حضور رویکرد برنامه ریزی طراحی محور به عنوان رویکردی عام در تمام مراحل نظام برنامه ریزی و طراحی شهری . ▪ طراحی محور در برنامه ریزی شهری موجب ارتقا استانداردهای توسعه شهری است. ▪ مهمترین ویژگیهای رویکرد برنامه ریزی طراحی محور تعیین اهداف و معیارهای طراحی می باشد. 	۱۳۹۵	الوندی پور و همکاران
<ul style="list-style-type: none"> ▪ چهاروجه حس دل بستگی مکان شامل عوامل کالبدی، عوامل ادراکی و شناختی، عوامل عملکردی و عامل زمان. 	۱۳۹۲	حیدری و همکاران
<ul style="list-style-type: none"> ▪ دل بستگی به مکان تجربه ای از درگیر شدن با مکان و یا محیط است ▪ در جهت افزایش دل بستگی به مکان باید اول عامل عاطفی و بعد عامل هویتی و اجتماعی را در اولویت قرار داد. 	۱۳۹۲	توانا
<ul style="list-style-type: none"> ▪ حس مکان در طی زمان و در فرایندهای رویداده مردمی ایجاد می شود و توجه به دل بستگی مکان در طراحی شامل موارد زیر: ▪ سنجش وضعیت موجود براساس معنای ساخته شده در ذهن (معیارهای سنجش) ▪ طراحی فیزیکی، فعالیتی و معنایی براساس سنجش صورت گرفته (معیارهای طراحی) ▪ برنامه ریزی و مشارکت افراد در طول زمان (عوامل موثر در طی زمان) ▪ دستیابی به هویت مکان در طول زمان (هدف) 	۱۳۹۲	کاشی و بنیادی
<ul style="list-style-type: none"> ▪ رابطه مستقیمی میان پیاده راهسازی و حس مکان وجود دارد. ▪ سنجش پیاده راه ها از سه جنبه کالبدی (بوم شناختی، فضای، ریخت شناسانه، زمین های، بصری)، ذهنی (دریافتی) و رفتاری (اجتماعی، کارکردی و گزینشی) ▪ شناسایی ابعاد حس مکان مشتمل بر کالبدی (بوم شناسانه، فضای، رخت شناسی، زمینه ای، بصری)، ذهنی (دریافتی)، رفتاری (اجتماعی و کارکردی) 	۱۳۹۲	رضایی
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ابعاد مطرح شده دل بستگی به مکان شامل: بعد فیزیکی، بعد اجتماعی، فرهنگی، شخصی، تجربیات، رضایت از مکان و تعامل با مکان است. 	۱۳۹۲	هاشم نژاد و همکاران
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ابعاد دل بستگی مکان شامل بعد فیزیکی و اجتماعی است که دارای ارزش مثبت و منفی می 	۱۳۹۰	کمالی پور و همکاران

		باشد.
		▪ ابعاد دل‌بستگی در سطح محله و مسکن قابل تفکیک است.
دانشپور و همکاران	۱۳۸۸	▪ دل‌بستگی به مکان دارای ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، عملکرد و رفتاری است. ▪ عوامل کلیدی کیفیت این تعامل عبارتند از: انسان، مکان، مشارکت در فرایند طراحی مکان، نحوه تعامل انسان و مکان و عامل زمان.
رفعیان و رضوی	۱۳۸۸	▪ کاربرد رویکرد برنامه ریزی طراحی محور ▪ کاهش گسستگی فرایندهای شهرسازی و تدوین فرایندی عام برای اتصال حلقه برنامه‌ریزی به طراحی ▪ توجه به ملاحظات صرف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و سند برنامه ای توسعه فضاهای شهری
		پیشینه پژوهش خارجی
سباستین	۲۰۲۰	▪ اساس دل‌بستگی به مکان، مفاهیم مبتنی بر وابستگی به مکان و هویت مکان است. ▪ معنای مکان را مشتمل بر دوست‌داشتنی بودن یا دوست‌داشتنی نبودن مکان می‌دانند.
الرحمن و اسد	۲۰۲۰	▪ رابطه بین طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در مطالعات مورد غفلت واقع شده است. ▪ بررسی مشکلات برنامه ریزی و طراحی شهری از حیث سیاست، برنامه ریزی، چهارچوب، طراحی. ▪ وجود شکاف تئوریک و همپوشانی اقدامات عملیاتی و اجرایی ▪ در نظرگرفتن رویکرد برنامه ریزی شهری با نگاه سیستماتیک برنامه ریزی و طراحی شهری با توجه به معماری و هنر ▪ در نظرگرفتن برنامه ریزی شهری با توجه به اهداف، ذینفعان، جزایان فرایند و ارتباط با سایر علوم.
عرفانی	۲۰۲۰	▪ ترکیب قطعات کوچک زمین و ایجاد قطعات بزرگتر قابل توسعه با مشارکت مردمی به صورت فردی و گروهی ▪ ایجاد هویت مکانی جدید و بازسازی تجربه و معنای مکان با درگیری رابطه شناختی، عاطفی و مفهومی با مکان
کاسیمتس و همکاران	۲۰۱۹	▪ دل‌بستگی به مکان و ایجاد اجتماع به صورت ذهنی با عامل یا نیازهای محیطی و دانش تاریخی مرتبط است، امکان ساخت اجتماعات و شهرک‌های پایدار و مقاوم صورت می‌گیرد.
سونگ و همکاران	۲۰۱۹	▪ دل‌بستگی به مکان و اعتماد بر رفتار شهروندان در محیط تاثیرگذار بوده و دل‌بستگی به مکان رابطه قوی با رفتار شهروندی دارد وقتی که با سطح بالایی از اعتماد و پویایی همراه باشد.
کوبین و همکاران	۲۰۱۹	▪ در مکانی که حس امنیت وجود دارد ادراک ریسک‌های اجتماعی پایین است اما احتمال حس ریسک محیطی همچنین بالاست. ▪ حس مکان در مقیاس املاک بیشتر است از حس مکان به شهرها بوده‌است. ▪ معیارهای حس مکان شامل: احساس لنگر داشتن، فعال بودن، خویشاوندی، ارتباط، مرتبط بودن و احساس ایمن بودن است.
فورنارا و همکاران	۲۰۱۹	▪ دل‌بستگی به مکان برای افراد مسن به نوعی استراتژی انطباقی برای ارتباط فرد با محیط است.
کارمونا	۲۰۱۸	▪ برای کاربرد طراحی در برنامه ریزی شهری، قدرت رسمی تاثیرگذار از سه دسته اصلی ابزار سیاستی بهره می‌برد که عبارتند از: راهنمایی، مشوق‌ها، کنترل.
گورگول و همکاران	۲۰۱۷	▪ برای افراد جوان‌تر و کودکان جهت ارتباط با محیط باید حس تعلق و دل‌بستگی به مکان همراه با توسعه فرهنگی ارتقا یابد.

<ul style="list-style-type: none"> در ارتقای دلبستگی و تعلق خاطر به مکان و فضای باز شهری از طریق دو عامل: تعامل و حلقه‌های بازخوردی پویا 		
<ul style="list-style-type: none"> دلبستگی مکان نوعی پیوند میان افراد و مجموعه محیطی آنهاست دلبستگی مکان از لحاظ رویکرد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در تجربیات زندگی روزمره مردم در آن مکان و خاطرات یادآوری شده در اولویت است. دلبستگی احساسی به مکان به عنوان عامل تعیین کننده در ارزش واقعی مکان با توجه به واکنش‌های عاطفی افراد به کیفیت مکان است. افراد احساس خود را از مکان به صورت شادی، تاثیر مثبت، احساسات و مراقبت بیان نمودند. 	۲۰۱۵	یوجانگ و زکریا
<ul style="list-style-type: none"> در استرالیا شهرنشینان دلبستگی به مکان پایین‌تری نسبت به روستاییان داشتند مگر آنکه در محلی زندگی می‌کردند که در معرض خطر آتش‌سوزی قرار داشتند. 	۲۰۱۴	آنتون و لارنس
<ul style="list-style-type: none"> دلبستگی به مکان مفهومی چندبُعدی است که با ابعاد شخصی، فرآیند روانشناختی و مکان مشخص می‌شود 	۲۰۱۰	گیفورد و اسکاتل
<ul style="list-style-type: none"> اجزای دلبستگی مشتمل بر اجزای فیزیکی، عملکردی، تصویر ذهنی است. هریک از اجزا نیز دارای زیر جز خاص خود می‌باشد. 	۲۰۰۹	یوجانگ
<ul style="list-style-type: none"> عوامل اصلی دلبستگی به مکان (محل خرید و فروش) عبارتند از: قابلیت دسترسی و خوانایی، نشاط و تنوع، معامله، متمایز بودن و راحتی. 	۲۰۰۸	شمس الدین و یوجانگ

با توجه به پژوهش‌های اخیر می‌توان پژوهش سباستین^۱ (۲۰۲۰) را که مفهوم دلبستگی و معنا را به طور مطالعه کرده است به عنوان مدل پایه انتخاب کرد تا بتواند تضمین کننده خصوصیات محیط‌های جدید و پویا باشد. این پژوهش اساس دلبستگی به مکان را مفاهیم مبتنی بر وابستگی به مکان و هویت مکان در نظر گرفته است و همچنین، معنای مکان را مشتمل بر دوست‌داشتنی بودن یا دوست‌داشتنی نبودن مکان می‌داند. چهارچوب ارائه شده می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان برای بهبود امکانات و تسهیلات بوده و برای ساکنین نیز ابزاری برای بیان خواسته‌ها به برنامه‌ریزان باشد. در تصویر ۱ چهارچوب مفهومی ارائه شده است.

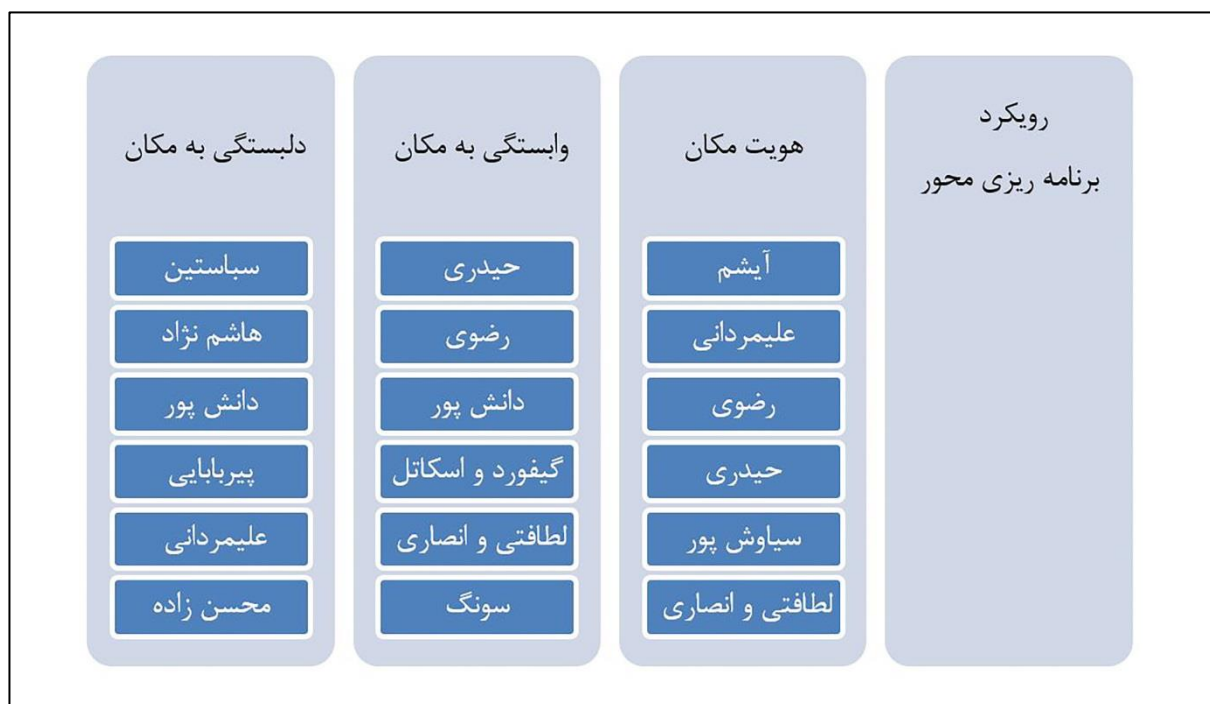


تصویر ۱. چهارچوب مفهومی دلبستگی مکان و معنای مکان

منبع: (سباستین، ۲۰۲۰)

¹ Sebastien

با در نظر گرفتن پیشینه پژوهش و بررسی نتایج پژوهش حاضر با پژوهشهای اخیر می توان اذعان داشت عنصر گم‌شده در پژوهشهای اخیر ، نقش رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در ارتقا حس دلبستگی به مکان است زیرا که درازبایی و تجارب ماحصل از اجرای طرح های توسعه شهری در جهان و به ویژه کشور ما این موضوع اثبات شده که طرح های توسعه شهری در خلق محیط شهری واجد کیفیت، توفیق کمی داشته اند. لذا اندیشمندان مختلف شهرسازی از حضور تفکر کیفیت گرای خاص طراحی شهری در تمام مقیاسهایی (کلان و خرد) طرح های توسعه شهری برای ایجاد محیط واجد کیفیت حمایت کرده اند و به دنبال رویکرد نوینی در تهیه طرح های توسعه شهری با نگرشی به شهر با دیدی یکپارچه به نام برنامه ریزی طراحی محور بودند که در این پژوهش نقش این عامل با شناسایی شاخص های مرتبط به خوبی مورد بررسی قرار گرفت که بتواند کمک شایانی به طراحان شهری داشته باشد. در تصویر ۲ تطابق مدل پژوهش با نتایج پژوهشهای پیشین قابل مشاهده است.



تصویر ۲. تطابق مولفه های مدل پژوهش با نتایج پژوهش های پیشین

روش تحقیق

هدف اصلی این مرحله از پژوهش، بررسی و کاوش مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با حس دلبستگی به مکان و رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور می‌باشد. بدین منظور از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. بنابراین در بخش با کمک کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مقولات محتوایی موجود در الگوی مورد بررسی که در ادبیات و اسناد موضوع پژوهش موجود جستجو شده است، مورد تحلیل و شناسایی قرار می‌گیرد که روش هریک در ادامه تشریح شده است:

۱. کد گذاری باز: در کد گذاری باز پژوهشگر با بخش بندی اطلاعات، طبقات اطلاعاتی خاصی را درباره پدیده تحت مطالعه به وجود می‌آورد. درون هر طبقه چندین خصوصیت یا طبقه فرعی را مشخص می‌کند

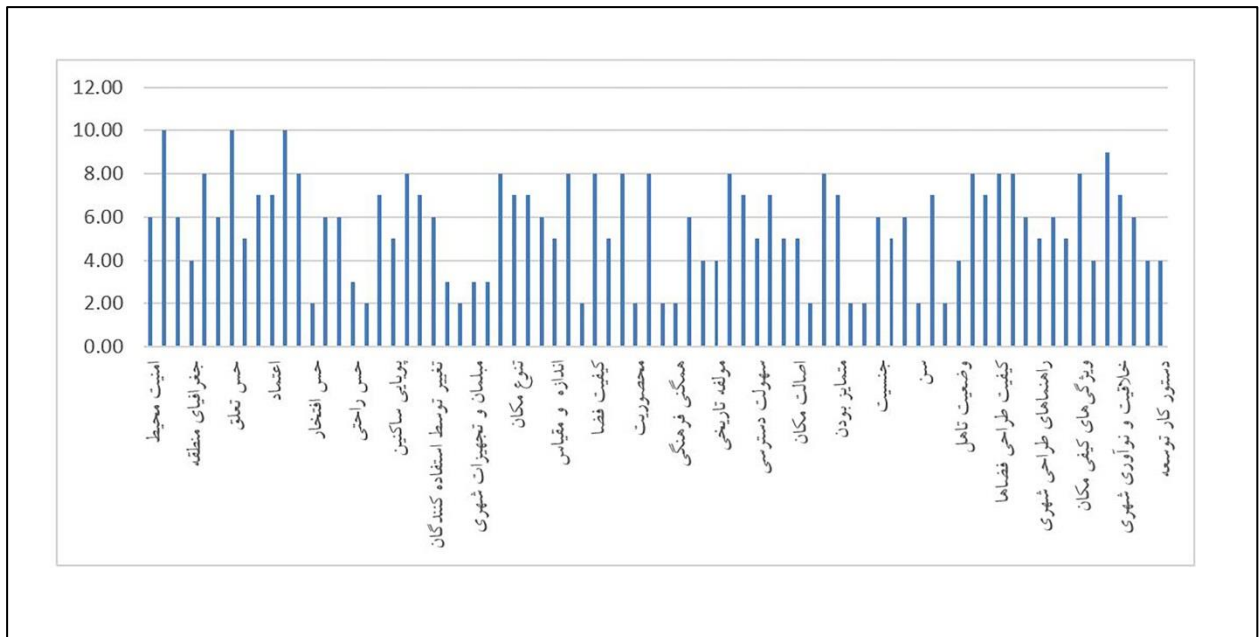
و برای نشان دادن ابعاد آن خصوصیات به گردآوری اطلاعات می پردازد. در این مرحله پژوهشگر از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی را در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق جزء جزء کردن اطلاعات، به شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه، سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازد. در مرحله کدگذاری باز پژوهشگر در متن و اسناد به جستجوی طبقات اطلاعاتی برجسته و بارز می‌پردازد و با استفاده از رویکرد مقایسه مستمر تلاش می‌کند این طبقات را به اشباع برساند (دانایی فرد، ۱۳۹۶: ۹۰)

۲. کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری پژوهشگر داده‌ها را به شکل جدید سازماندهی و دسته‌بندی می‌کند و نتیجه را از طریق کدگذاری یا نمودار منطقی نمایش می‌دهد. یعنی پس از کدگذاری باز، وقتی مجموعه‌ای از طبقات اولیه تشکیل شد، پژوهشگر یک طبقه واحد از فهرست کدگذاری باز را به عنوان پدیده محوری انتخاب می‌کند. طبقه‌ای که بدین ترتیب انتخاب می‌شود نوعاً طبقه‌ای است که اهمیت و جذابیت مفهومی خاصی دارد. بنابراین طبقه مورد نظر انتخاب شده و به عنوان خصیصه بارز قرار می‌گیرد (دانایی فرد، ۱۳۹۶: ۱۹۵)

۳. کدگذاری انتخابی (گزینشی): سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است که کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. این کدگذاری روشی برای یکپارچه‌سازی و تعیین مقوله مرکزی است (فلیک، ۲۰۰۹: ۳۳۹) در کدگذاری انتخابی، مقوله مرکزی که گاه به آن مقوله هسته‌ای نیز گفته می‌شود، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است اما معمولاً مفهومی انتزاعی است و حاصل همه پژوهش را در چند کلمه بیان می‌کند و این چند کلمه می‌گویند که تحقیق درباره چیست و همچنین مقوله مرکزی باید بتواند از گوناگونی موجود در مقوله‌ها ایجاد شود و باید بتوان آن را به سایر مقوله‌ها نیز مرتبط کرد. مقوله مرکزی معمولاً به نوعی در سایر داده‌ها نیز پدیدار می‌شود و نشانه‌هایی نیز از آن در تمامی مطالعات وجود داشته است. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴)

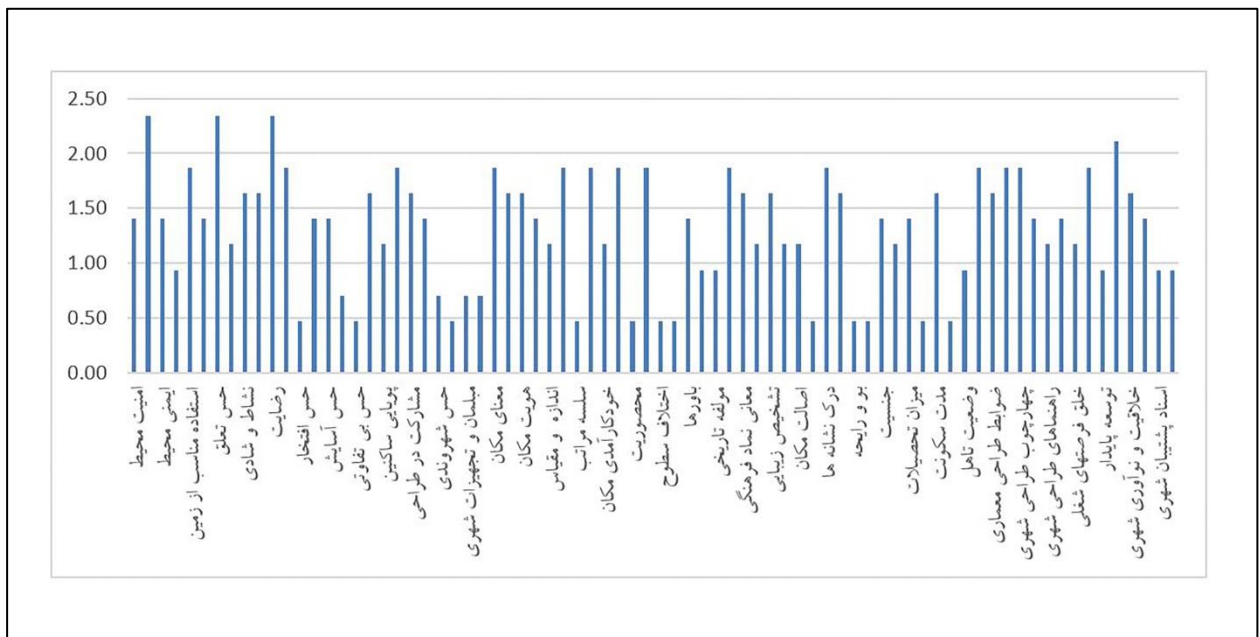
بحث و یافته‌های تحقیق

در کدگذاری باز ۷۶ موضوع کلیدی در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد طراحی برنامه‌ریزی محور استخراج گردید. مجموع فراوانی موضوعات کلیدی در مدارک و مستندات مورد بررسی نیز ۴۲۷ مورد می‌باشد. در تصویر ۳ فراوانی موضوعات کلیدی در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور ارائه شده است.



تصویر ۳. فراوانی موضوعات کلیدی کدگذاری باز در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه ریزی طراحی محور

در تصویر ۴ نیز فراوانی نسبی هر یک موضوعات کلیدی در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه ریزی طراحی محور ارائه شده است.



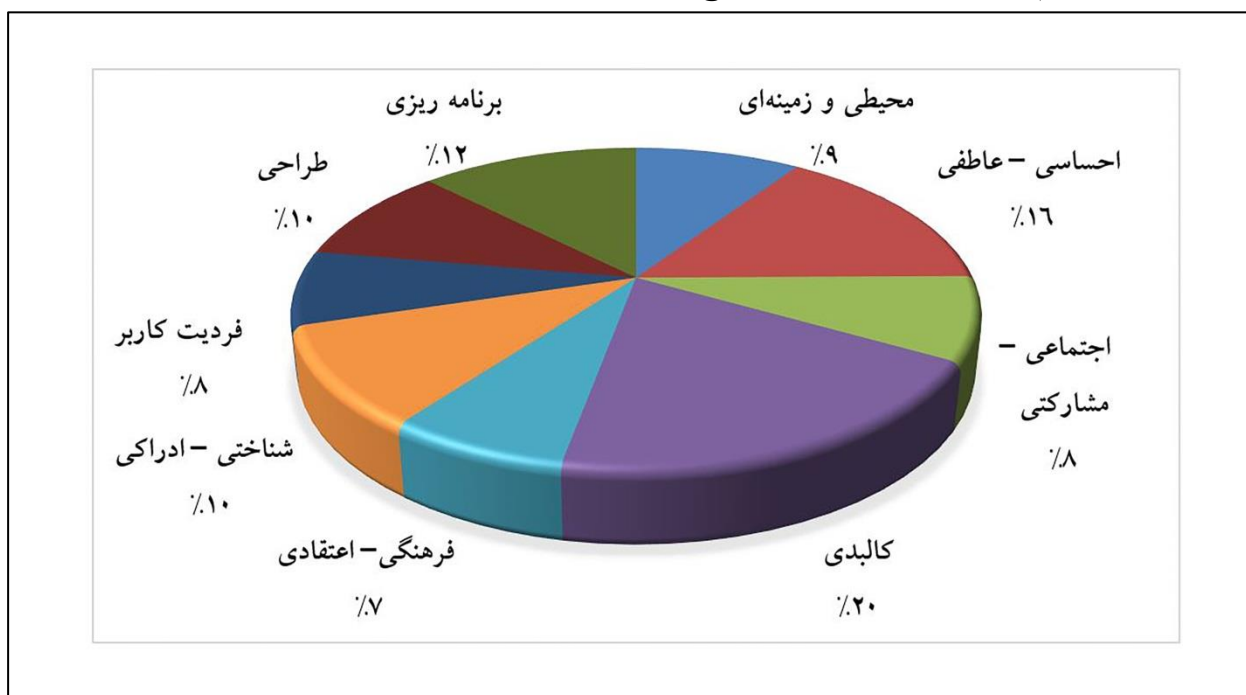
تصویر ۴. فراوانی نسبی موضوعات کلیدی کدگذاری باز در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه ریزی طراحی محور

پس از انجام کدگذاری باز، کدگذاری محور انجام شد. در این مرحله موضوعات کلیدی استخراج شده در کدگذاری باز به عنوان شاخص‌های پژوهش مد نظر قرار گرفته و شاخص‌های مذکور در قالب معیار محوری طبقه‌بندی شد. با

انجام کدگذاری محوری، معیارهای محوری در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه‌ریزی طراحی- محور تبیین شد که عبارتند از :

۱. عوامل محیطی - زمینه‌ای
۲. عوامل احساسی - عاطفی
۳. عوامل اجتماعی - مشارکتی
۴. شناختی - ادراکی
۵. عوامل کالبدی
۶. عوامل فرهنگی - اعتقادی
۷. عوامل فردیت کاربر
۸. عوامل طراحی
۹. عوامل برنامه‌ریزی

در تصویر ۵ سهم نسبی هریک از عوامل مستخرج از کدگذاری محوری ارائه شده است



تصویر ۵. سهم نسبی معیارهای مستخرج از کدگذاری محوری

پس از آنکه معیارهای محوری در حوزه ارتقای حس دلبستگی به مکان با رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور مشخص شدند، کدگذاری گزینشی (انتخابی) انجام شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. در جدول مذکور سهم نسبی هریک عوامل اصلی حاصل از کدگذاری انتخابی نیز مشخص شده است.

جدول ۲. نتایج کدگذاری انتخابی (گزینشی) داده‌های حاصل از تحلیل محتوای سوابق پژوهشی

ردیف	هسته مطالعه	عوامل انتخابی	معیار محوری	شاخص‌ها	سهم معیار محوری	سهم عامل انتخابی (درصد)

۲۹.۰۴	9.38	امنیت محیط	عوامل	هویت مکان	۱.
		آرامش محیط	محیطی - زمینه‌ای		۲.
		ایمنی محیط	(EN)		۳.
		جغرافیای منطقه	Environmental:		۴.
		استفاده مناسب از زمین			۵.
		درگیری با محیط			۶.
	۱۹.۶۶	دسترسی و سلسه مراتب	عوامل کالبدی		۷.
		مبلمان و تجهیزات شهری	Physical (P)		۸.
		جهت‌گیری در امتداد گذر			۹.
		معنای مکان			۱۰.
		تنوع بصری			۱۱.
		تاریخ مکان			۱۲.
		فرمها			۱۳.
		اندازه و مقیاس			۱۴.
		خوانایی			۱۵.
		مساحت			۱۶.
		کیفیت فضا			۱۷.
		مصالح			۱۸.
		نورپردازی			۱۹.
		محصوریت		دلبستگی به مکان	۲۰.
		رنگ و نماد پردازی			۲۱.
		اختلاف سطوح			۲۲.
۴۸.۷۴	۸.۴۳	تعامل اجتماعی	عوامل		۲۳.
		پویایی ساکنین	اجتماعی - مشارکتی		۲۴.
		همسایگی	Social: (S)		۲۵.
		مشارکت در طراحی			۲۶.
		تغییر توسط استفاده کنندگان		وابستگی به مکان	۲۷.
		حس شهروندی			۲۸.
	۷.۲۷	همگنی فرهنگی	عوامل		۲۹.
		باورها	فرهنگی - اعتقادی		۳۰.
		مولفه دینی	Cultural: (C)		۳۱.
		مولفه تاریخی			۳۲.
		ارزشمندی مکان			۳۳.
		معانی نماد فرهنگی			۳۴.
	۱۵.۴۶	حس تعلق	عوامل		۳۵.
		حس تعهد	احساسی - عاطفی		۳۶.
		سرزندگی	Emotional: (E)		۳۷.
		اعتماد			۳۸.

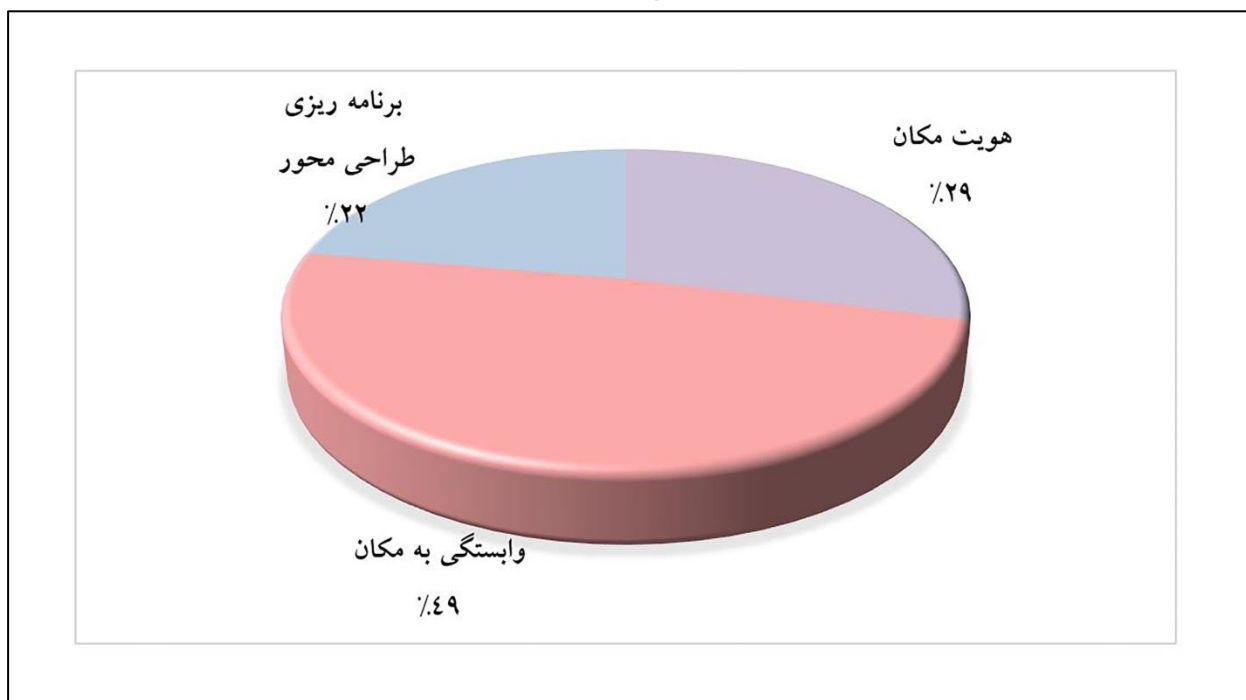
	رضایت			.۳۹
	کیفیت زندگی در مکان			.۴۰
	حس افتخار			.۴۱
	خاطرات و تجربیات			.۴۲
	حس آسایش			.۴۳
	حس راحتی			.۴۴
	حس بی تفاوتی			.۴۵
۱۰.۰۷	سهولت دسترسی	عوامل شناختی - ادراکی	Cognitive (CP) Perceptual:	.۴۶
	تشخیص زیبایی			.۴۷
	وضعیت نگهداری			.۴۸
	اصالت مکان			.۴۹
	عناصر منحصر به فرد			.۵۰
	درک نشانه ها			.۵۱
	تمایز بودن			.۵۲
	بو و رایحه			.۵۳
	صداها			.۵۴
۷.۵۱	جنسیت	عوامل فردیت کاربر	Individual - (I)	.۵۵
	شغل			.۵۶
	میزان تحصیلات			.۵۷
	سن			.۵۸
	مدت سکونت			.۵۹
	بعد خانوار			.۶۰
	وضعیت تاهل			.۶۱
۹.۸۳	کیفیت طراحی	عوامل طراحی	Design: (D)	.۶۲
	ضوابط طراحی معماری		برنامه ریزی طراحی محور	.۶۳
	فرایند طراحی			.۶۴
۲۲.۲۶	چهارچوب طراحی شهری			.۶۵
	ساماندهی فرم های ساختمانی			.۶۶
	راهنماهای طراحی شهری			.۶۷
۱۲.۴۳	چشم انداز ساخت و ساز	عوامل برنامه ریزی	Planning: (PL)	.۶۸
	خلق فرصتهای شغلی			.۶۹
	ویژگی های کیفی مکان			.۷۰

توسعه پایدار	۷۱.
راهبردهای شهری بلند مدت	۷۲.
خلاقیت و نوآوری شهری	۷۳.
برنامه مدیریت شهری	۷۴.
اسناد پشتیبان شهری	۷۵.
دستور کار توسعه	۷۶.

بر طبق نتایج حاصل از جدول ۴ می‌توان دریافت که براساس تحلیل محتوای صورت گرفته بر روی ادبیات و پیشینه پژوهش، ۳ عاملی اصلی تبیین کننده ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور عبارتند از:

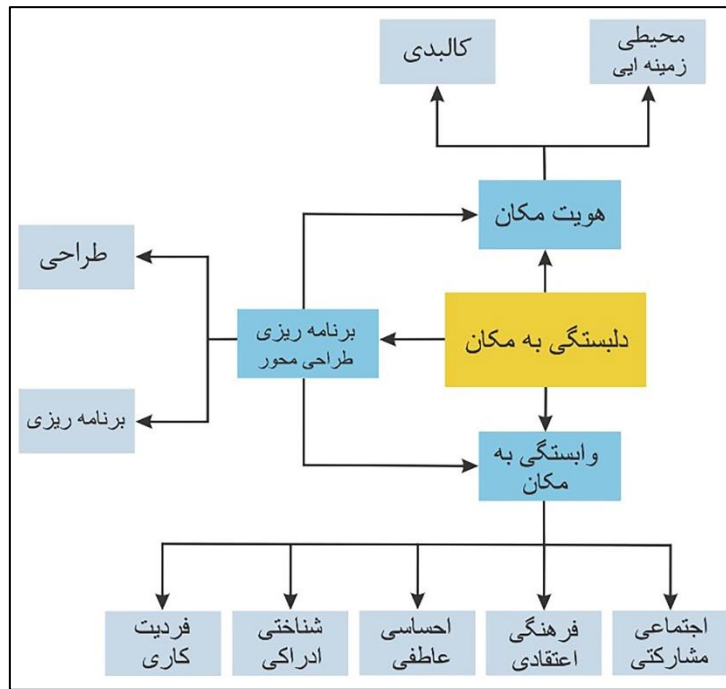
۱. هویت مکان
۲. وابستگی به مکان
۳. برنامه‌ریزی طراحی محور

در تصویر ۶ سهم هر یک از عوامل اصلی استخراج شده در کدگذاری انتخابی (گزینشی) قابل مشاهده است.



تصویر ۶. سهم نسبی معیارهای مستخرج از کدگذاری انتخابی

با توجه به تحلیل محتوای صورت گرفته در حوزه ادبیات و پیشینه پژوهش که خود مشتمل بر کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) بوده‌است، معیارهای ارتقاء حس دلبستگی به مکان با تاکید بر رویکرد برنامه ریزی طراحی محور تبیین شده و مدل پژوهش بر مبنای تحلیل محتوا ارائه گردید. در تصویر ۷ مدل تحلیل پژوهش ارائه شده است.



تصویر ۷. مدل تحلیل پژوهش

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با در نظر گرفتن پیشینه پژوهش و بررسی نتایج پژوهش حاضر با پژوهشهای اخیر می توان اذعان داشت عنصر گم شده در پژوهشهای اخیر ، نقش رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در ارتقا حس دلبستگی به مکان است زیرا که در ارزیابی و تجارب ماحصل از اجرای طرح های توسعه شهری در جهان و به ویژه کشور ما این موضوع اثبات شده که طرح های توسعه شهری در خلق محیط شهری واجد کیفیت، توفیق کمی داشته اند. لذا اندیشمندان مختلف شهرسازی از حضور تفکر کیفیت گرای خاص طراحی شهری در تمام مقیاسهایی (کلان و خرد) طرح های توسعه شهری برای ایجاد محیط واجد کیفیت حمایت کرده اند و به دنبال رویکرد نوینی در تهیه طرح های توسعه شهری با نگرشی به شهر با دیدی یکپارچه به نام برنامه ریزی طراحی محور بودند که در این پژوهش نقش این عامل با شناسایی شاخص های مرتبط به خوبی مورد بررسی قرار گرفت که بتواند کمک شایانی به طراحان شهری داشته باشد.

باتوجه به شاخص های بدست آمده برای رویکرد برنامه ریزی طراحی محور پیشنهادات زیر جهت ارتقا حس دلبستگی به مکان در طراحی شهری ارائه می شود.

۱. وجود چهارچوبی مشخص و مدون در طراحی شهری و وجود راهنماهای طراحی شهری می تواند با یکپارچه سازی عناصر طراحی محیط های شهری کمک شایانی به طراحان نماید و همین امر موجب خواهد شد تا ارتقا حس دلبستگی به مکان به طور واضح و مشخص در برنامه های طراحی در نظر گرفته شود.
۲. ساماندهی فرم ساختمانی از طریق نظم دهی به فضاها و تصحیح روابط بین فضاها می تواند کارایی مکانهای شهری را بهبود بخشد و با تاثیر بر هویت مکان ، حس دلبستگی را ارتقا دهد.
۳. تعیین هدف نهایی در طراحی و در نظر گرفتن چشم انداز ساخت و ساز باعث می شود تا طراحان بدانند چگونه مسیر طراحی خود در فضاها شهری به سرانجام برسانند و تمامی اقدامات مرتبط با طراحی را با

هدف ارتقا حس دلبستگی به مکان پیش بینی و اجرا نمایند. همچنین وجود راهبردهایی برای تحقق اهداف کلان شهری در طراحی می تواند به ماندگاری اثرات یک طراحی مناسب در بلند مدت کمک کرده و حس وفاداری شهروندان را به محیط بیشتر نموده و در نتیجه حس دلبستگی به مکان افزایش یابد.

منابع

- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۴)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه‌ی بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حیدری، علی اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ مرادیان، سلمان (۱۳۹۷)، بررسی میزان دلبستگی به مکان نسبت به مقیاس خانه، محله و شهر (نمونه موردی شهر شیراز)، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷
- خدایی، زهرا و همکاران، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دلبستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۳
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۲)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: چاپ صفار-اشراقی
- رضانیا، رویا، (۱۳۹۲)، ضرورت بکارگیری رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور در برنامه‌های توسعه شهری در ایران، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشر نی
- میرزا محمدی، احمد، تقی‌پور قصابی، بهزاد (۱۳۹۷)، طراحی مجتمع مسکونی پایدار با تأکید بر روانشناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان، فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز، سال چهارم، شماره سیزده، جلد ۱
- Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 451-461.
- Erfani, G. (2020). Sense of place as an investigative method for the evaluation of participatory urban redevelopment. *Cities*, 99, 102648.
- Kasemets, K., Rammo, A., & Palang, H. (2019). Turning a landscape into a suburban community and the realization of a sense of place. *Cities*, 88, 37-47.
- Sebastien, L. (2020). The power of place in understanding place attachments and meanings. *Geoforum*, 108, 204-216.
- Song, Z., Daryanto, A., & Soopramanien, D. (2019). Place attachment, trust and mobility: Three-way interaction effect on urban residents' environmental citizenship behaviour. *Journal of Business Research*, 105, 168-177.